

دائرة المعارف حبان زین اسلام

جلد ۱

آب

سرپرستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

ترجمہ و تحقیق و تعلق
زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی



نشر کتاب مرجع



نشر کنگره

تهران ۱۳۸۸



فہرست مصنفین کاروان این مجلہ

الف- مبادلہ یابی، تنظیم و توضیح مدخل ہا
نگار نادری

ب- ترجمہ مقالات

یوسف ابادری	محمد فاطمیان
مہدی افشار	مہدی فاطمیان
محمد باقری	مراد فرہادپور
ولی اللہ بزرگر کلیشمی	سید مجید قافلہ باشی
سعید پیشداد	حمیدہ کوکب
محمد تقی زادہ	سیدعلی مرتضویان
صمد چینی فروشان	سپیدہ معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منشی زادہ
ہلن خوش چین گل	افسانہ منفرد
شہناز رازپوش	سید حسین میرچلیلی
محمد رفیعی مہرآبادی	نگار نادری
محمدعلی صالحی	محمد جواد ناطق پور
حسن طارمی راد	سید عباس ہاشمی
ہدایت علوی تبار	محمد منصور ہاشمی
علی فاطمیان	لیلا ہوشنگی

ج- مقابلہ ترجمہ و ویرایش

نگار نادری

سپیدہ معتمدی
مجتبی منشی زادہ

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلیق (ہیئت ویراستاری)

حسن طارمی راد
محمد دشتی
مہدی دشتی

ه- ترجمہ کتابشناسی

مستورہ خضرائی

و- گزینش و آمادہ سازی تصاویر

معصومہ میرسعیدی

ز- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیہ

ح- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک) علی لہانی (بازبینی فنی و اجرای هنری)

ط- آمادہ سازی فنی

سہیلا اسدی باہر (صفحہ آرا) اکرم رضایی (نمونہ خوان و ویراستار فنی)
مہناز خلیج اسماعیلی (نمونہ خوان) اعظم رمضانپور سبحانی (حروف نگار)
فریرز رسولی (پیگیری حروف نگاری)

ی- امور اجرایی

وحید وکیل

سید مصطفی سیفی

ابن باديس، شيخا الشافعيه	عبدالله الدين شاهين	انور يبي	جان دبايو، شاريسون
ابن تيميه، تقي الدين احمد	رونالد ال. يتلر	الناشره	سميد پيشداد
تكملة	حسن طارمی	اجتهاد	عبدالعزیز سائيدينا
ابن خلدون، عبيد الرحمن	غزاد تھلی	اجتماع	ليلا هوشنگي
ابن عبدالوهاب، محمد	مراد فرهادپور		وائل حلاق
تكملة	حسن طارمی	احكام خوراكيها	محمد منصور هاشمی
ابن هري، معيي الدين	وللری هوفمان لاد	احكام زمين	وائل حلاق
ابوذر حفاري	محمد جواد ناطق پور		حسن طارمی
تكملة	حسن طارمی		يوهان إدوارد وكمپو
ايم	حسين مطالب		هيأت وراستاری
اتفاق بازرگانی اسلامی	محمد جواد ناطق پور		نيكلاس س. هاپكينز
اتحادیه اسلامی سراسر هند (مسلم لیگ)	الياس اچ. توما		سيد حسين ميرچيلی
اتحادیه بین المللی سازمانهای اسلامی دانشجویی	سيد مجيد قافله باشی		س. نعمان الحق
اتحادیه جهانی اسلام - رابطه العالم الاسلامی	ديويد تيلور		محمد باقری
اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه	محمد تقي زاده		احمد بریلوی، سيد - بریلوی سيد احمد
کاترين ويهتول دو وُن دِن،	سيد محمد سعيد		احمد سرهندي - سرهندي، احمد
ژاکلین سزاري	صمد چینی فروشان		احمدیه
محمد جواد ناطق پور			يوحنا فريدمان
توفيق هسو			ليلا هوشنگي
محمد تقي زاده			اسعد ابوخليل
			والی الله برزگر کيشی
			حامد الگار
			حسن طارمی
			جان کلسی
			حميده کوكب
			احوان المسلمین
			نظر اجمالی
			دنيس، جی. سوليوان
			هيأت وراستاری
			نزيه، ن. ابویي
			هيأت وراستاری
			فيليب، س. خوری
			هيأت وراستاری
			احوان المسلمین مصر
			احوان المسلمین سوریه

«منابع مکتوب برای مطالعه اسلام» گلچینی سودمند احادیث مربوط به نوشیدنیها از صحیح بخاری (ص ۷۶-۷۲) معنی درباره اختلاف اصول غذا خوردن در میان مکاتب فقهی (ص ۱۰۵-۱۰۸).
/ پیرمان افرارد و کمپو /

صورت ملک مطلق بود، بدین معنی که مالک را صاحب حقوقی در مقابل دولت می ساخت و در نظریه فقهی تنها زمین «ملک» می توانست به «زمین وقف» تبدیل شود، هر چند تاریخچه تحقق وقف و توزیع زمین «وقف» به ما می گوید که انعطاف پذیری قابل ملاحظه ای در عمل وجود داشته است. هم حقوق تصرف و هم حقوق ملک می توانست با تبدیل زمین بایر به کشتزار ایجاد شود؛ و در این صورت زمین دایر یا احیا شده وضع متفاوتی با زمین موات یا بایر پیدا می کرد. در این نظام، زمین کشاورزی ندرتاً به صورت مالکیت مطلق زمین نگهداری می شود. - برای مثال: کمتر از ۱٪ در عراق در زمان انقلاب ۱۳۳۷ش/ ۱۹۵۸م - هر چند در عمل میان مالکیت مطلق و مالکیت تصرفی^۳ زمین تفاوت اندکی وجود دارد (باتانو، ۱۹۷۸م، ص ۵۳).

الگوهای سنتی و سازگاریهای بوم شناختی. بسیاری از روشهای سنتی جاری مالکیت زمین، بر اساس استفاده جمعی از زمین است و نه استفاده فردی. این روشها غالباً با این پیشش که مالکیت از آن دولت است، مشروعیت می یابد؛ زمین مورد بحث می تواند همچنین به عنوان «وقف» ایجاد شده باشد یا همچنین می تواند یک میراث تقسیم نشده باشد. یک مثال معروف، مالکیت «مشاع» کشت غلات در داخل منطقه هلال خصیب (سوریه، فلسطین و اردن) است. حقوق متعلق به زمین به جامعه روستایی اعطا می شد که سپس به طور دوره ای، آن حقوق میان اعضای جامعه روستایی توزیع می گردید. ازینرو روستاییان حقوق استفاده موقت، خود از زمین را حفظ می کردند و عموماً تنها انگیزه کاشت محصولات سالانه را داشتند و نه سرمایه گذاری روی زمین را که می توانست در آینده نزدیکی به امر دیگری اختصاص یابد. در اوایل قرن بیستم از مالکیت مشاع به طور کلی اثری نبود.

توزیع مجدد دوره ای میان روستاییان سهامدار نیز در ایران متداول بود. در این کشور محتاسبه سهام غالباً پرمیثای تعداد حیوانات بارکشی بود که هر روستایی نگهداری می کرد. در میان پاتانهای^۴ دره سوات^۵ در

احکام زمین^۲، در طی دو قرن سیزدهم و چهاردهم (نوزدهم و بیستم) مالکیت زمین در جهان اسلام شدیداً متأثر از عوامل سیاسی بود؛ هر چند این امر چندان نازکی نداشت. سه عامل اصلی مؤثر بر مالکیت زمین عبارتند از: احکام و قوانینی حقوقی که نخبگان سیاسی وضع کرده اند، فقه اسلامی و عرف رایج شامل نظامهای قبل از اسلام و عرف سازگار شده با محیطهای خاص. مالکیت زمین، خود می تواند به گونه ای دیده شود که شامل قوانین رسمی مالکیت، قوانین راهنمای دستیابی به زمین برای غیر مالکان و توزیع زمین بر طبق این قوانین باشد.

روندهای عمده و تحولات در دریست سال گذشته شامل آزادسازی مالکیت زمین در قرن سیزدهم/ نوزدهم، جهت مسجاردن مالکیت فردی زمین و موج اصلاحات ارضی است که به دنبال اصلاحات ارضی مصر در ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۲م پسندید آمد. مالکیت زمین در خاورمیانه هم اکنون به سمت مالکیت خصوصی بیشتر زمین و الغای نظامهای استقراریافته تحت اصلاحات ارضی دولتی حرکت می کند.

حقوق اسلامی زمین. در بسیاری از نظامهای اسلامی سنتی، دولت (یا حاکم) به عنوان نماینده جامعه اسلامی و مالک نهایی زمین به حساب می آمد. این حق مبتنی بر مسئله فتح بود.

در حالی که دولت یا حاکم از مالکیت مطلق (و رقبه) برخوردار بود، کشاورزان عملاً دارای حقوق تصرف بودند. یکی از پیامدهای این شکل از مالکیت زمین آن بود که دستیابی به زمین توسط قوانین غیراسلامی عملاً مجاز گردید، زیرا حقوق مالکیت مورد بحث آنها نبود. تنها بخش کوچکی از زمین کشاورزی در جهان اسلام به

1. Juan Eduardo Campo 2. LAND TENURE

۳. usufructuary کسی که از منافع یا نفعات مالی (افزایشهای مالی) حق استفاده دارد، بدون تزییع عین آن.

آب و زمین توسط بسیاری از ترتیبات خصوصی که کشاورزان آن را ساخته بودند، اساساً فرو ریخت.

مالکیت تنها شکلی دستیابی به زمین نبود. در جهان اسلام، قبل از دوره جدید، سهم‌بری در محصول متداول بود ولی از همان زمان عموماً راهی جهت اجاره نمودن زمین وجود داشت. سهم‌بری در محصول، باعث عدم تمرکز تصمیم‌های زراعی و اتخاذ آن در سطح خانوار می‌گردید. موازنه قدرت میان مالک و زراعت سهم‌بر در محصول، تغییر می‌کرد ولی موازنه قدرت معمولاً به نفع مالک بود. در زمینهای فاریاب (زمینهای تحت آبیاری) که برای بازار شهری تولید می‌کردند یا جایی که شخصی سهم‌بر، سرمایه اضافی مانند حیوانات یا زکات برای مشارکت یا خود آورده بود، تا حدودی سهم زراعت سهم‌بر، در محصول بیشتر بود. در دوره جدید، غالباً شرایط اجاره‌داری توسط دولت ثابت شده است، مانند آنچه در مصر وجود دارد. در روند جاری با توجه به پیشینه‌های قدیمی، به نفع بازرگانان است که جهت کشت محصولات ممتنی، غالباً میوه‌ها و سبزیجات، با اعطای پیش‌پرداخت به کشاورزان، آنها را تأمین مالی نمایند.

قوانین اسلامی مربوط به مالکیت زمین در باره زمین کشاورزی، بهتر از چراگاهها است. ازینرو در آن بخشهای اساسی جهان اسلام که شیبانی فعالیت اصلی اقتصادی بود، سایر شکل‌های حقوقی پدیدار گردید که هم حقوق جمعی و هم حقوق غیرفراگیر را مورد بحث قرار می‌داد. گروه‌های شیبانی خاصی دارای حق پذیرفته‌شده‌ای جهت استفاده از منابع معین اراضی یک منطقه بودند، در حالی که سایر گروهها ممکن بود حق استفاده از سایر منابع یا حق استفاده از همان منابع را در فصل دیگر داشته باشند. این گونه حقوق جمعی مربوط به چراگاهها، در مناطق بیابانی، نیمه بیابانی و کوهستانی به وجود آمد.

تحولات سیاسی نوین اولیه، رشد مالکیت شخصی زمین را (به شکلی که هم‌اکنون وجود دارد) می‌توان در قوانین اواسط قرن سیزدهم/ نوزدهم در باره زمین دنبال کرد. در امپراتوری عثمانی، قانون زمین در ۱۲۷۶ق/

پاکستان نه تنها هر ده سال زمین توزیع مجدد می‌گردید بلکه تمامی روستاییان به زمینهای جدید کوچ می‌کردند؛ این نظام «عوالی» ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۰م توسط حاکمان محلی (فردریک بارت، خزبرری سیاسی در میان پستانهای سرات^۴، لندن ۱۹۵۹م) متوقف گردید. نظامی از توزیع مجدد نیز در طول رودخانه نیل در مصر علیا و سودان قبل از عصر جدید برقرار بود. در این مناطق، نظام یاد شده، رکود نظام کشت را به دنبال داشت؛ این وضع در دره‌های نیجر^۵ و سنگال^۶ در آفریقای غربی اسلامی^۷ نیز گزارش شده است، جایی که توزیع مجدد زمین یا حقوقی کامل، همراه نیست.

وضع مالکیت زمین خصوصاً در واحه‌ها و دره‌های رودخانه‌ای که آبیاری مورد نیاز بود، پیچیده بود. در این موارد ضرورت داشت اطمینان حاصل شود زمینی که آب در ساقط می‌کنند آن را لازم دارد. هرچند حقوق آب معمولاً بر حقوق زمین منطبق می‌شد، برخی اوقات حقوق آب به طور مستقل از حقوق زمین، وجود داشته در قیوم مصر، تمام جریان آب کانال، طی یک دوره معین زمانی برای هر واحد از زمین به نام مالکان بوده در حالی که در بخشهایی از ایران، متنفذهای محلی، مالک منبع آب به طور مجزا از زمین بودند. در حال حاضر در مصر کشاورزان می‌توانند آب را آزادانه از کانالهای دولتی بردارند که آن هم یک نظام گردش دارد، ولی با افزایش تقاضا برای آبهای محدود نیل، نشانی روی تغییر این نظام وجود خواهد داشت. در سایر کشورها در جهان اسلام آبیاری می‌تواند از چاهها، از پروژه‌های دولتی یا از نظامهای سنتی اطراف چشمه‌ها و واحه‌ها باشد.

تراکم کشت در واحه‌ها نیز منجر به تفصیل به فرنج قوانین مالکیت زمین گردید، مانند: اجاره‌های هزارساله که ویژگی واحه‌های اطراف عتیزه در عربستان سعودی بودند (الترکی وکول، ۱۹۸۹م، ص ۳۲-۳۸).

در پروژه‌های آبیاری جدید مانند غاب در سوریه، کنترل دولتی قوی اولیه مبتنی بر یک نظام عقلایی توزیع

4. Pathans 5. Swat 6. Fredrik Burth 7. Political Leaders among Swat Path 8. Niger 9. Senegal
10. Islamic West Africa

۱۸۵۸م به تصویب رسید که از جمله مواد این قانون، به ثبت رسیدن زمین، به نام یک فرد بود. کاربرد این قانون در فلسطین از ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰ منجر به ثبت زمینهای زیادی به نام مالکان شهری و مالکان غایب گردید، که بسیاری از آنها سرانجام زمین خود را به مهاجران یهودی فروختند؛ در نتیجه راه را برای ایجاد صهیونیسم در فلسطین هموار نمودند. به کارگیری همین قانون در عراق توسط عثمانها پسند از ۱۲۸۶ق/ ۱۸۶۹م آغاز گردید، ولی تا زمان تصویب قانون زمین ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م - تحت قیمومیت انگلستان - کامل نگردید، این قانون به شیرخ قبیله‌های عمده حق مالکیت بالفعل^۱ به طور مؤثر اعطا کرد، اعضای قبیله نیز مستأجر بودند. به کارگیری قانون ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۸م در آناتولی به نظر نمی‌رسید که چنین گمبختگی‌ای به جای گذارد، بسیاری از اهالی آناتولی وارد مصر نوین شدند، در حالی که خرده مالکان در آنجا حکم فرما بودند.

یک سری حقوق مصری^۲ در طی سالهای ۱۲۶۳ تا ۱۲۷۴ق/ ۱۸۴۷-۱۸۵۸م) بسه ایجاد حق مالکیت خصوصی زمین، در زمینهای کشاورزی مصر کمک کرد. هرچند برخی محققان خاطر نشان ساخته‌اند که درباره تأثیر حقوق اطلاق شده است (کرتو^۳، ۱۹۹۲م). در الجزایر یک سری حقوق فرانسه‌ای در طی سالهای ۱۲۷۲ تا ۱۲۹۰ق/ ۱۸۵۶-۱۸۷۳م) دارای همین تأثیر بود، هرچند بخش بزرگی از انگیزه آنها، درهم شکستن الگوهای مالکیت جمعی در قبایل الجزایر و قرار دادن زمین در دسترس خریداران اروپایی بود. در پایانه دوره مستعمراتی در ۱۳۴۱ش/ ۱۹۶۲م، تقریباً یک چهارم مزارع در اختیار مستعمرات بود؛ افزون بر آن که این مزارع اغلب بهترین زمینها برای کشاورزی بودند. به طور خلاصه بعد از آنکه تحت‌الحمایگی فرانسه در تونس ایجاد گردید، قانونی در ۱۳۰۲ش/ ۱۸۸۵م نیز به ثبت رساندن زمین را مشروط به رعایت نظام تورنتو^۴ استرالیا دانست. این اقدام نیز اثرش آن بود که اجازه داد تا مستعمره‌چها زمین زیادی بدست آورند، به طوری که مستعمره‌چها حدود ۲۰٪ مزارع را در دهه ۱۳۳۰ش/ ۱۹۵۰م در کنترل خود گرفتند.

سمیر امین^۵ معتقد است که این روند تکاملی، طریقه‌ای از مالکان غالباً غایب و بزرگ یعنی بورژواهای کشاورزی را ایجاد کرده است. از دیدگاه سمیر امین این نخستین اقتباس جهان عرب از گسترش سرمایه‌داری جهانی بود. این موضوع در افریقای شمالی به وقوع پیوست که مالکان غالباً مستعمراتی بودند، در حالی که در کشورهای عربی خاورمیانه آنها احتمالاً بیشتر بومی بودند؛ هرچند ساختار اقتصادی دو منطقه شبیه یکدیگر است. مالکان بزرگ مسئول مکانیزه شدن کشاورزی بودند تا زارع سهم‌بر در محصول به نیروی کار مزدبگیر تبدیل شده و از او به عنوان وسیله سازماندهی کشت زمین و ایجاد ارتباط با نظام بانکی برای دریافت اعتبار استفاده شود و بدین ترتیب مالکان بزرگ به وام‌دهندگان شخصی مراجعه نکنند. مالکان بزرگ همچنین انجام تغییرات مناسب در نظام آبیاری را تسریع نمودند. نتیجه نهایی این اقدامات، تحقق الگوری کاملاً نابرابر توزیع حقوق متعلق به زمین بود.

موسومیلیسم و اصلاح ارضی، اصلاح ارضی در ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۲م به عنوان نخستین اقدام اساسی دولت انقلابی در عصر آغاز گردید. انگیزه این کار تا حد زیادی سلب مالکیت از طبقه حاکم سابق بود. اصلاحات ارضی در مقابل جنبش اجتماعی بنیادی و آکنشی نشان نداد؛ در مصر همانند سایر کشورها، اصلاح ارضی نتیجه تفکرات روشنفکران شهری و سیاستمداران بود. در مصر نخستین موج اصلاح کشاورزی، املاک را میان خرده کشاورزان که غالباً کارگران قبلی همان مزارع بودند، تقسیم کرده، خرده کشاورزان جدید سپس در تعاونیهای اصلاح کشاورزی سازماندهی شدند. موج دوم که بعد از ۱۳۴۰ش/ ۱۹۶۱م به وقوع پیوست، این فرآیند را تداوم بخشید، اما این فرآیند از آن جهت با اهمیت‌تر بود که از طرفی موجب انسجام رابطه پیوند مالکان و مهاجران می‌شد و از طرف دیگر ملحق شدن تمامی کشاورزان به تعاونی اعتبار دهنده روستا را خواهان بود. در ۱۳۴۹ش/ ۱۹۷۰م منطقه‌ای به وسعت ۸۱۷۵۳۸ فدان^۶ با اندکی کمتر از ۱۳٪ از کل زمینهای کشت شده مصر طی آن سال میان

1. de Facto 2. Egyptian laws 3. Cuno 4. Torrens. 5. Samir Amin 6. Feddan

که دارای اثر کلی اعاده مالکیت زمین به اشخاص و معین کردن ترتیب انجام آن به طور کامل بود. نتیجه فوری آن افزایش رقابت میان یکایک مقوله‌های مختلف حقوقی زمین بود که جدیداً به وجود آمده بود. در واقع انتقالی از حفرق مبتنی بر کار به حقوق بر مالکیت دارایی، صورت گرفته بود.

در ایران، انقلاب سفیده شاه، مالکیت سنتی و الگوی بهره‌برداری از زمین را دستخوش تغییر کرد و به سوی ایجاد مالکیت خصوصی فردی جهت‌گیری نمود (اصلاح ارضی، ۱۳۴۱ش). مالکیت بزرگ سنتی زمین و الگوهای بهره‌برداری از روستا به نفع تجارت محصولات کشاورزی خصوصاً در زمینهای فاریاب جایگزین گردید. پس از مرنگرانی شاه در ۱۳۵۷ش به بحث درباره مالکیت زمین میان کسانی که خواستار استفاده از قدرت دولت جهت تضمین دسترسی فقرا به زمین بودند و کسانی که مطرح می‌کردند که اسلام ضرورتاً حق مالکیت خصوصی آزاد را تضمین می‌کند، درباره از سر گرفته شد. به نظر می‌رسد که در زمین دیدگاه امروزه در ایران پیروز شده است. اما به دلیل وجود اختلاف سیاسی در سطح ملی، وضع مالکیت زمین هنوز نامشخص مانده است. [در واقع، به کار بستن مکانیزم مناسب جهت توزیع عادلانه زمین سو در مقیاس عام: توزیع عادلانه ثروت ... همراه با التزام کامل به حق مالکیت افراد بر آنچه دارند، دغدغه اساسی قانونگذاران و فقهاست. اصلاحات ارضی، هر چند عنوانی دلنشین و فریبا برای بسیاری از کشاورزان بود، اما آن تجربه را نمی‌توان تجربه‌ای موفق خواند. اساساً این اقدامات، از آثار سوء به دور نیستند؛ به همین دلیل اقدام به اصلاحات ارضی، از همان زمان که مطرح شد با تأمل و مناقشه و نگرانی همراه بود و حتی در کشاورزی اختلال ایجاد کرد.] آزادسازی. تحولات اخیر در مصر الگوی قوی‌ترگیر بودن دولت در کشاورزی را دگرگون ساخته است. نظام گردش کشت غلات، نهادهای کشاورزی یارانه‌ای و سهمیه‌های بازاریابی کنار گذاشته شده است و تعاونیهای روستایی نقش خود را بیشتر از دست داده‌اند. تعاونیهای اصلاح کشاورزی با وضع بهتری باقی مانده‌اند. قانون

۹۸۲، ۳۴۱ خانوار توزیع شده بود که شامل حدود ۱۷ میلیون تن یا حدود ۹٪ از جمعیت روستایی می‌گردیده (ردوان، ۱۹۷۷م، ص ۱۱۶، یک، فدان تقریباً ۴۲ هکتار است). شاید یک سوم زمینهای زارعی در ابتدا از مقررات اجاره‌داری متأثر گردید. بعد از ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م تمامی زمینها تحت نظارت تعاونیها درآمد. اینکه آیا اصلاحات ارضی، تغییری بسیار بزرگ و مهم یا بسیار کوچک و کم‌اهمیت بوده، از بحثهای جنجالی مصر بوده؛ مطمئناً این اقدام فایده‌اندکی به طور مستقیم به اشخاص بدون زمین رسانده است ولی توانسته است توزیع مالکیت زمین را متعادلتر سازد. اصلاحات (ارضی) (یعنی قوانین مالکیت زمین، تعاونیها، یارانه‌های اعطایی به سرمایه‌گذارانها و سهمیه‌های بازار) دارای این تأثیر بود که دولت شریک یکایک کشاورزان گردید و به کشاورزی مصر برای حدود چهل سال پسند از اصلاح ارضی ۱۳۳۱ش/۱۹۵۲م، ساختار خاصی بخشید.

اصلاحات کشاورزی در انواع مختلف آن که غالباً بر اساس تجربه مصر شکل گرفته است، در عراق، سوریه، تونس، الجزایر، ایران، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی به صورت قانون در آمد. در الجزایر یک چهارم زمینهای که در اختیار کشاورزان مستعمراتی بود، بعد از استقلال ۱۳۴۱ش/۱۹۶۲م تا حدود زیادی به بخش «خود مدیریتی» تبدیل شد. کارگران آن اسلاک در چارچوب بوروکراسی دولتی مسئولیت مدیریت آن را به عهده گرفتند. بعداً با قانون اصلاح کشاورزی ۱۳۵۰ش/۱۹۷۱م تعداد بیشتری از صاحبان مزارع در الجزایر در تعاونیها سازماندهی شدند، به گونه‌ای که ۲۲٪ از زمینها را زیر پوشش داشت. زمینهای خصوصی باقیمانده (۵۳٪) در حاشیه بودند ولی ۹۰٪ کارگران را در استخدام خود داشتند، در مقایسه با ۳٪ اشتغال در بخش دولتی و ۷٪ در بخش اصلاح کشاورزی. ازینرو بر مزیت نسبی بهترین زمینها پاشناری می‌گردید.

تونس دستخوش یک انقلاب موازی اصلاحات ارضی گردید. در اواخر دهه ۱۳۶۰ش/۱۹۸۰م و اوایل دهه ۱۳۷۰ش/۱۹۹۰م الجزایر قوانینی به تصویب رساند

زمین مصوب ۱۳۷۱ش/۱۹۹۲م حقوق مستأجران را به نفع مالکان محدود ساخت، ازینرو وضع تقریباً یک چهارم زمینهای را که در اجاره بود دگرگون نمود. ابتدا در نظر گرفته شده بود که این قانون تا ۱۳۷۶ش/۱۹۹۷م به طور کامل به مرحله اجرا در آید اما طی بهتلهایی که در مجلس در باره این قانون صورت گرفت، مطرح شد که این تحول، حقوقی برای زمین به همراه دارد که با قانون اساسی سازگارتر است. نکته مورد پرسش آن بود که آیا اعطای حق دائمی به مستأجر جهت اجاره زمین و انتقال آن حق از طریق ارث بزرگ، تخلف از حقوق اسلامی قراردادهای به شمار می رود یا نه؟ خصوصاً آنکه حقوق اسلامی (فقه) جهت حفظ میراث از چستین قراردادهای غیر قابل تغییری برقرار شده بود. اما این مطلب نیز مطرح گردید که برخی مالکان از درآمد مشروع زمینهای خود محروم شده اند. همچنین منافع اجارهدهندگان زمین در مدنظر قرار نگرفته بود. آزادسازی نیز به نظر می رسید نتیجه فشار سازمانهای مالی بین المللی باشد.

عوامل متعددی در بحثهای مربوط به قانون زمین وارد شده اند؛ به نام برابری، برخی استدلال کرده اند که نظامهای مالکیت زمین باید بیشترین دسترسی به زمین توسط کشاورزان و کارگران کشاورزی را مجاز شمارد. سایرین مطرح کرده اند که غصب ناپذیری مالکیت خصوصی در حقوق اسلامی ریشه دارد و اینکه انباشت [ثروت] از طرق مشروع [گناه نیست، در تمامی زمانها، حاکمان و دولتها از اهدای زمین جهت سلطه بر اتباع خود استفاده کرده اند. اندیشه اندکی جهت توصیه یک نظام مالکیت زمین که توسعه را تشویق نماید، انجام شده و حمایت اندکی از خرده کشاورزان به عمل آمده است. این در حالی است که جمعیت خصوصاً در مناطق روستایی رشد می کند. نااطمینانی نسبی نسبت به مالکیت زمین احتمالاً تا آینده نزدیک تداوم خواهد یافت و این وضع الگوهای توسعه کشورهای اسلامی را شکل خواهد داد. [نیز - کشاورزی؛ اقتصاد؛ مالکیت].

منابع:

1. Abdel-Khalek, Gouda, and Robert Tignor, eds. *The Political Economy of Income Distribution in Egypt*. New York 1982.

>اقتصاد سیاسی توزیع درآمد مصر<؛ مجموعه مقالاتی که بسیاری از آنها توسط اقتصاددانان مصری نوشته شده و تعدادی از آنها به نقش اجاره زمین در توزیع درآمد می پردازند (بویژه مقالاتی که توسط دسوکی، کورایم، ابراهیم، محی الدین و زیتون نوشته شده اند را مطالعه نمایید).

2. Altorki, Soraya, and Donald P. Cole. *Arabian Oasis City: The Transformation of Unayzah*. Austin 1989.

>واحه - شهر عربی: تغییر شنیزه<؛ در این اثر گروهی از انسان شناسان وضعیت فعلی و تاریخی اخیر شهری در عربستان سعودی را بررسی می کنند.

3. Amin, Samir. *The Arab Nation*. Translated by Michael Pallis. London 1978.

>سلط عرب<؛ در این کتاب اقتصاددان یک مارکسیست پیشرو، تاریخ جهان عرب را تفسیر می کند.

4. Batatu, Hanna. *The Old Social Classes and the Revolutionary Movements of Iraq*. Princeton 1978.

>طبقات کهن اجتماعی و جنبشهای انقلابی عراق<؛ شرح کاملی مستند تحولات اجتماعی عراق در قرن بیستم با بسیاری ارجاعات خاص به اجاره و توزیع زمین.

5. Chauvet, Claudine. "Agriculture et nourriture dans Les réformes algériennes: Un espace pour les Paysans?", *Revue Tiers Monde* 32 (1991): 741-770.

(خلاصه ای جامع از وضعیت زمینداری در الجزایر در آغاز دهه ۱۹۹۰).

6. Cuno, Kenneth M. *The Pasha's Peasants: Land, Society, and Economy in Lower Egypt, 1740-1858*. Cambridge 1992.

>رعایای پاشا: زمین، جامعه و اقتصاد در مصر سفلی، ۱۷۴۰-۱۸۵۸<؛ در این اثر، جزئیات بسیاری درباره اجاره زمین و جامعه اوایل عصر جدید مصر و چگونگی ارتباط حقایق و قوانین با یکدیگر آمده است.

7. Hooglund, Eric J. *Land and Revolution in Iran, 1960-1980*. Austin 1982.

>زمین و انقلاب در ایران، ۱۹۶۰-۱۹۸۰<؛ بنا بر استدلال این کتاب، یکی از علل پیروز انقلاب ایران بی نظمی در اجاره زمین و انگوری بهره برداری زمین در دوران شاه بوده است.

15. Radwan, Samir M. *Agrarian Reform and Rural Poverty: Egypt, 1952-1975*. Geneva 1977.

<اصلاحات ارضی و فقر در روستاها: مصر ۱۹۷۵-۱۹۵۲>؛ احتمالاً بهترین اثر خلاصه درباره اصلاحات ارضی در مصر است.

16. Saab, Gabriel S. *The Egyptian Agrarian Reform, 1952-1962*. London 1967.

<اصلاحات ارضی مصر، ۱۹۶۲-۱۹۵۲>؛ مطالعه‌ای کامل که به بهترین وجه مرحله اول اصلاحات ارضی را منعکس کرده است؛ اصلاحاتی که نویسنده چندان با آن موافق نبوده است.

17. Valensi, Lucette. *Tunisian Peasants in the Eighteenth and Nineteenth Centuries*. Cambridge 1985.

<رعایای تونس در قرن هجدهم و نوزدهم>؛ شرح شایسته اوایل دوران معاصر مصر، همراه با اطلاعاتی قابل ملاحظه درباره رسوم زمینداری.

18. Warriner, Doreen. *Land Reform and Development in the Middle East: A Study of Egypt, Syria, and Iraq*. 2d ed. London 1962.

<اصلاحات ارضی و توسعه در خاورمیانه: مطالعه‌ای بر روی مصر، سوریه و عراق>؛ نویسنده براساس تجارب گسترده در چندین کشور عرب، از دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰، از کارشناسان معتبر این موضوع در جهان عرب به شمار می‌رود.

/ تیکلاسی اس. هایگینز /

احکام نجوم، ذکر این مطلب که اعتقاد به احکام نجوم از خصوصیات فرهنگی جهان اسلام معاصر است حاوی اطلاع چندانی نیست، زیرا این حکم در مورد همه فرهنگهای جهان صادق است. با این حال جا دارد که به بررسی وجوه تمایز سنت احکام نجوم دوره اسلامی، نقش آن در تلفیق و تهذیب عناصر گوناگونی که از فرهنگهای کهن تر اخذ کرده و به نوبه خود به جهان عرضه کرده و برخورد و تلقی اسلام نسبت به اصول و کاربرد احکام نجوم، بپردازیم. در چنین پژوهشی با یک محدودیت درونی مواجه هستیم؛ شمار زیادی از منابع اولیه عربی در احکام نجوم از بین رفته‌اند؛ به علاوه، تعداد

8. Hopkins, Nicholas S. *Agrarian Transformation in Egypt*. Boulder 1987.

<دگرگونی ارضی در مصر>؛ تحلیل اجاره زمین والگرهای بهره‌برداری از زمین و آبیاری آن در روستاهای مصر علیا.

9. Lambton, Ann K. S. *Landlord and Peasant in Persia: A Study of Land Tenure and Land Revenue Administration*. London 1953.

<زمیندار و رعیت در ایران: مطالعه اجاره زمین و اداره درآمدهای ارضی>؛ شرح وضع ایران در دهه ۱۹۴۰ همراه با پیشینه تاریخی.

10. Lambton, Ann K. S. *The Persian Land Reform, 1962-1965*. London 1969.

<اصلاحات ارضی در ایران ۱۹۶۲-۱۹۶۶>؛ (شرحی مبتنی و سنجیده به قلم یک کارشناس پیشرو که مراحل اولیه و پیشینه اجتماعی اصلاحات ارضی در ایران را بیان داشته است).

11. Marei, Sayed. *Agrarian Reform in Egypt*. Cairo 1957.

<اصلاحات ارضی در مصر>؛ گزارشی است به ندم فردی که در مصر مسئول برنامه اصلاحات ارضی بود. این گزارش، منبسی مفید به خاطر ارقام و نظریات ابراز شده در آن است.

12. Mehanna, Sohair, et al. *Irrigation and Society in Rural Egypt*. Cairo 1984.

<آبیاری و طبقه ممتاز در روستاهای مصر>؛ شرح آبیاری در ایالت‌های قیوم، منوفیه و مینا که تنوع شیوه‌های کار محلی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

13. Metri, Françoise. "State and Peasants in Syria: A Local View of a Government Irrigation Project". *Peasants Studies* 11.2 (1984): 69-90.

<حکومت و رعایا در سوریه: یک دیدگاه محلی نسبت به طرح آبیاری دولتی>؛ شرح اینکه چگونه اجاره زمین و آبیاری در طرح غاب Ghab به اسکان رعایا مبدل شد.

14. Meyer, Ann Elizabeth, ed. *Property, Social Structure, and Law in the Modern Middle East*. Albany, N.Y., 1985.

<مالکیت، ساختار اجتماعی و قانون در خاورمیانه معاصر>؛ مجموعه مقالاتی که برخی از آنها درباره آبیاری و قانون زمین است. به مقالاتی که آلبا، لوبو^۲ و جتودی^۳ نوشته‌اند توجه نمایید.